

گام به گام در بی‌راهه

رفتارهای رئیس‌جمهور سابق در ماه‌های اخیر نشان می‌دهد، او تصمیم گرفته است با پیاده‌سازی چندین سناریو، آمدنش به عرصه انتخابات ۱۴۰۰ را به یک مطالبه مردمی تبدیل کند. به حکم وظیفه در این نوشتار، چند نکته را برای طرفداران ایشان یادآور می‌شوم؛ امید آنکه با تأسی به سخن مولی علی (ع) که اولین ویژگی اهل بصیرت را تفکر، اندیشیدن و خردورزی (فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ قَتَفَكَرَ) دانستند؛ این نکات مورد توجه و تأمل مخاطب نوشتار قرار گیرد. طرفداران امروز احمدی‌نژاد را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد:

گروه اول از طرفداران احمدی‌نژاد، توده‌هایی از مردم محروم و کم‌برخورداری هستند که در نگاه آنان، رئیس‌جمهور سابق فردی دلسوز و اهل خدمت به محرومان نقش بسته است. مشکلات اقتصادی و معیشتی ناشی از سوءمدیریت‌ها و ناکارآمدی‌های برخی از مسئولان اجرایی در سال‌های اخیر، نگاه به کارآمدی دولت سابق را در نزد قشر یاد شده، پررنگ‌تر کرده است. تصور این طرفداران آن است که تنها و تنها با تجدید ریاست‌جمهوری او می‌توان مشکلات را حل کرد. سخن با این بخش از مردم آن است که تمام آن نشانگان نقش بسته بر اذهان به عنوان مصادیق کارآمدی در سراسر کشور، محصول کار و تلاش و مجاهدت‌های شبانه‌روزی کسانی بود که با انگیزه خدمت در دولت او گردهم آمده بودند؛ ولی آنان هم اکنون، به دلیل حرکت وی در مسیر ناصواب، نه تنها از اطرافش پراکنده شدند، بلکه از منتقدان اصلی او هستند. بنابراین تصور تشکیل دولتی پرتلاش با رویکرد خدمت به محرومان، همانند دولت نهم، تصویری نادرست است؛ چرا که اساساً آن رویکرد معطوف به خدمت، به رویکرد معطوف به قدرت تغییر جهت پیدا کرده است.

گروه دوم از طرفداران ایشان، به اصطلاح آن لیدرهایی هستند که در تهران و شهرهای مختلف، حلقه اتصال بین احمدی‌نژاد و آن گروه اول هستند. این افراد، هر یک با انگیزه‌هایی خاص، در تکیه برای به قدرت رساندن مجدد رئیس‌جمهور سابق هستند. عمده افراد گروه دوم را به لحاظ انگیزه، به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف - دسته اول کسانی هستند که تصور می کنند با به قدرت رسیدن مجدد احمدی نژاد در موقعیت ریاست جمهوری، آنان هم به پست و مقامی رسیده و دنیای شان تأمین می شود. سخن با این دسته از هواداران آن است که نه تنها از این تنور نانی برای آنان به عمل نمی آید؛ بلکه با رفتارهای ساختارشکنانه انجام گرفته تاکنون و همچنین رفتارهای مخرب پیش‌بینی‌ناپذیر در آینده از سوی احمدی‌نژاد، سهم این افراد دقیقاً از دست رفتن همان چیزی است که تصور می کنند با به قدرت رسیدن او نصیب‌شان می شود!

ب - اما دسته دوم از گروه دوم، کسانی هستند که بر این تصورند آقای احمدی‌نژاد همچنان یک نیروی انقلابی، ولایی و پیروز خط امام و رهبری است و صادقانه می‌خواهد به اسلام، انقلاب، کشور، نظام، مردم و رهبری خدمت کند. این گروه که سخن اصلی در این نوشتار با آنان است، تصویر ذهنی از احمدی‌نژاد امروز را، همان تصویر ذهنی سال ۱۳۸۴ می‌دانند. این گروه فکر می کنند تنها کسی که می‌تواند به رهبری عزیزان برای حل مشکلات کشور کمک کرده، امور را اصلاح کند، احمدی نژاد است.

در این سال‌ها، حقیر با افرادی از این گروه در شهرهای مختلف کشور صحبت کرده و بعضاً با استدلال‌های آنان در خصوص باور و دلیل اعتمادشان نسبت به رئیس‌جمهور سابق آشنایی دارم. این گروه می‌گویند تمام مطالبی که به احمدی‌نژاد و از جمله زاویه داشتن با رهبری حکیم انقلاب اسلامی نسبت می‌دهند، دروغ است و این دروغ‌ها و نسبت‌های ناروا را کسانی ساخته و پرداخته‌اند که با تخریب و منحرف معرفی کردن او، قصد به قدرت رساندن و رئیس‌جمهور کردن فرد مورد نظر خودشان را داشتند! صادقانه به این عزیزان می‌گویم، این استدلال به دور از واقعیت بوده و نادرستی‌اش، با تأمل در بسیاری از سخنان و مواضع سال‌های اخیر آقای احمدی‌نژاد (از نیمه دوم دولت ایشان تاکنون) آشکار می‌شود که شرح کامل آنها مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود، اما این عزیزان را به تأمل در سه نکته زیر فراخوانده، برای خود و دیگران از درگاه حضرت حق طلب هدایت می‌کنم:

نکته اول: رهبر معظم انقلاب براساس شناختی که از افراد داشتند، طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور سابق، از ایشان خواستند معاون اولی اسفندیار رحیم‌مشایی را منتفی کند. ایشان اگرچه با اکراه این کار را کرد، اما از همان زمان هم با کنایه‌ها به مخالفان مشایی، از جمله رهبری نقد داشت و عملاً در هیئت دولت هم اختیاراتی فراتر از معاون اولی به این یار غار خود داد و هم در سال ۱۳۹۲ برای به ریاست جمهوری رساندنش سنگ تمام گذاشت!

نکته دوم: در سال ۱۳۹۵ رهبر معظم انقلاب در یک دیدار خصوصی از ایشان خواستند از ورود به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ صرف نظر کرده و این انصراف را اعلام کند. وقتی احمدی‌نژاد به سفرهای انتخاباتی خود به استان‌ها ادامه داد، معظم‌له در ابتدای درس خارج خود در همان سال ۱۳۹۵، با توجه به اینکه اخباری از آن جلسه انتشار یافته بود، آشکارا بیان فرمودند که به ایشان گفته شد آمدن شما برای انتخابات به مصلحت نیست؛ اما احمدی‌نژاد با نام‌نویسی برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶، عیار ولایت‌مداری خود را نشان داد!

نکته سوم: نامه‌نگاری‌ها و مصاحبه‌ها و تولید کلیپ‌های این روزها از سوی رئیس‌جمهور سابق، می‌تواند بسیار تأمل‌برانگیز باشد برای کسانی که تصورشان بر انقلابی و ولایی بودن ایشان است. اشاره به یک مورد برای جویندگان حقیقت کافی است. ایشان در ادامه نامه‌نگاری‌ها و مصاحبه‌های هدفمند، با شبکه «الجدید لبنان» که به یک رسانه با مواضع تند علیه «مقاومت» و به ویژه «حزب‌الله لبنان» شهرت دارد؛ چند روز پیش مصاحبه‌ای کرد و در این مصاحبه، خوراک مورد پسند آمریکایی‌ها، صهیونیست‌ها و تمامی گروه‌های تروریستی و رسانه‌های ضد مقاومت را پخت و پز کرد. کسانی که هنوز بر این تصور هستند که احمدی‌نژاد، یک فرد انقلابی، خط امامی، پیرو رهبری، مخالف آمریکا و رژیم صهیونیستی و طرفدار پر و پاقرص مقاومت در منطقه است، در این بخش از مصاحبه وی با شبکه «الجدید لبنان» که خوشحالی جریان ضد مقاومت را به دنبال داشت، تأمل کنند. وی با اشاره به مسائل منطقه و سوریه می‌گوید: «مسائل سوریه باید مطابق خواست مردم سوریه پیش برود نه دخالت ایران، حزب‌الله و دیگر نیروهای نیابتی خارجی» احمدی‌نژاد در این مصاحبه تلاش می‌کند مردم سوریه را همان کسانی معرفی کند که در این سال‌ها با دولت سوریه جنگیده‌اند؛ در حالی که حضور نیروهای ایرانی و حزب‌الله در سوریه به دعوت دولت قانونی سوریه، آن هم برای خنثی‌سازی و شکست بزرگ‌ترین توطئه علیه جهان اسلام انجام شد؛ ولی احمدی‌نژاد در این مصاحبه از این حضور با عنوان «دخالت» یاد می‌کند! نکته قابل توجه اینکه احمدی‌نژادی که در جنگ ۳۳ روزه، در کمک به حزب‌الله سنگ تمام گذاشت، با آغاز بحران سوریه براساس نقشه آمریکایی- صهیونیستی، نه تنها هیچ کمکی برای شکست این نقشه نکرد، بلکه همواره در مسیر مبارزه با تروریسم در سوریه سنگ‌اندازی می‌کرد. به طور قطع اگر ایران و حزب‌الله لبنان، به دعوت دولت قانونی سوریه، به جنگ با تروریسم ساخته و پرداخته آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها، صهیونیست‌ها و برخی از دولت‌های مرتجع عربی منطقه نمی‌رفت، اکنون از حرم و حریم و امنیت خبری نبود. نباید فراموش کرد این سخن سخنگوی داعش را، که پس از تسلط بر شهر موصل عراق گفت به زودی کربلا، نجف، کاظمین و سامرا با خاک یکسان می‌شود و آنگاه پس از عراق، نوبت ایران است! نباید فراموش کرد این سخن ترامپ را که گفت؛ داعش را

آمریکا ایجاد کرد و ما در این سال‌ها، هفت تریلیون دلار در منطقه خرج کرده‌ایم و هیچ به دست نیاورده‌ایم! آری اگر ایران و حزب‌الله به سوریه نمی‌رفتند، چه بسا اکنون طرح خاورمیانه جدید آمریکا، با تسلط بر کل منطقه و از جمله ایران جامه عمل به خود پوشیده بود. آمریکایی‌ها شهید سلیمانی را ناجوانمردانه ترور کردند؛ زیرا او را عامل اصلی شکست تمامی طرح‌های خود در منطقه ارزیابی کرده بودند؛ اما چرا احمدی‌نژاد امروز در مسیر نادرست حرکت می‌کند و این گونه آشکارا حتی علیه مقاومت سخن می‌گوید؛ شاید ده‌ها دلیل داشته باشد؛ اما بدون تردید یکی از دلایلش، جریان پیچیده نفوذ است. مصداق این موضوع مطلب را با توشه‌ای از سردار دلها به پایان می‌برم. در ایام دولت دهم، روزی برای سخنرانی به ستاد فرماندهی نیروی قدس سپاه رفته بودم. آن روز، در سالن اجتماعات این نیرو، سیدالشهدای جبهه مقاومت حضور داشت. توفیق یار شد و کنار او نشستیم و دقایقی هم کلام شدیم. از دغدغه‌هایش نسبت به مسائل داخلی کشور و از جمله جریان نفوذ گفت... به اختصار و اشاره بگویم که جمله‌ای قریب به این مضمون گفت: «باید به جد نگران باشیم، وقتی که می‌بینیم یک پیرزن (همسر دکتر فاطمی)، که خود و فرزندان‌ش وصل به سرویس جاسوسی انگلیس هستند، حالا تا اندرونی نهاد ریاست جمهوری کشورمان نفوذ کرده و به اسناد و مدارک دسترسی پیدا می‌کنند!»

دکتر عبدالله جوانی

فرقه بهار در آستانه خزان

مقدمه:

در خصوص ورود احمدی‌نژاد به انتخابات ۱۴۰۰ دو نگاه متفاوت وجود دارد. یک عده معتقدند وی به دلیل روحیه خود برترین و بی‌قراری سیاسی در هر صورت به نقش آفرینی

خواهد پرداخت و بی تفاوت از کنار آن نخواهد گذشت و عده ای دیگر حضور وی را به دلیل غیرممکن بودن احراز صلاحیتش بی فایده و کم تاثیر ارزیابی می کنند. این در حالیست که رفتارشناسی نشان می دهد هر چه از فاصله با ایام انتخابات کاسته شود بر تحرکات سیاسی و انتخاباتی وی افزوده شده و او تلاش خواهد کرد با اقدامات قانون گریز و اعلام مواضع نامتعارف و هنجارشکنانه بر فضای رسانه ای و روانی جامعه تاثیر گذار باشد.

از این رو، نمی توان احمدی نژاد و به عبارت بهتر «فرقه بهاریه» را به عنوان یکی از متغیرهای تاثیر گذار بر انتخابات آینده نادیده انگاشت. بویژه آنکه برخلاف نظر کسانی که فکر می کنند وی به دلیل عدم تایید صلاحیت نمی تواند تاثیر زیادی بر انتخابات داشته باشد، وی و حامیانش را باید جدی تر از آنکه پنداشته می شود، جدی گرفت. این ادعا زمانی اثبات می شود که به اهداف و انگیزه های بیشتر پی برده و نیات فرانتخاباتی وی روشن تر شود.

بر این اساس در نوشتار حاضر تلاش شده است تا به نحوه تاثیر گذاری وی بر انتخابات، اهداف و پیامدهای نقش آفرینی وی بر مسائل سیاسی کشور و انتخابات آینده اشاره شود:

مستندات میدانی در اثبات ورود احمدی نژاد:

پیشینه سیاسی و عملکردی احمدی نژادی و رفتارشناسی وی در روزهای اخیر بیانگر تصمیم جدی وی برای حضور و یا نقش آفرینی در عرصه سیاسی کشور بویژه تاثیر گذاری بر انتخابات ۱۴۰۰ با روش ها و مقاصد گوناگون می باشد. جهت اثبات این ادعا می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- ادامه سفرهای استانی و دیدار با اقشار مختلف مردم بویژه اقشار آسیب پذیر جامعه که با سفر به استان ها صورت می پذیرد.

۲- برنامه ریزی جهت راه اندازی تجمع های غیرقانونی که ظرف روزهای گذشته در میدان ۷۱، میدان انقلاب (پاساژ کتاب) و تهران پارس و.... شاهد آن بودیم و وی تلاش می کند به رغم هشدار نیروی انتظامی به برگزاری این گونه تجمعات می نماید.

۳- تلاش برای دیدار با شخصیت های موجه و مقامات کشوری و لشکری جهت القای برخورداری از جایگاه و ارتباط مناسب با نظام که نمونه اخیر آن می توان به دیدار وی با یکی از مقامات کشور در حاشیه یکی از جلسات رسمی نظام اشاره کرد.

۴- ایراد سخنان هنجارشکنانه و مواضع اپوزیسیونی در جمع مردم و حمله به مقامات نظام و وارد کردن اتهامات شدید به مخالفان سیاسی خود جهت قطبی سازی جامعه

۵- برقراری ارتباط با افکار عمومی و ارائه تصویری متفاوت از خویش به عنوان تنها ناجی کشور

۶- حضور هوشمندانه و فعال در فضای مجازی جهت زنده نگهداشتن رسانه ای خویش

۷- راه اندازی دفتر و ساماندهی افراد و حامیان خود با برگزاری جلسات مستمر

۸- نامه نگاری های نامعقول و مکاتبه با شخصیت های متخاصم و دشمن ملت ایران

۹- جلب توجه افکار عمومی جهان و منطقه به خویش با اتخاذ مواضع عجیب و مغایر با مصالح نظام

۱۰- ارائه تصویر متفاوت از خویش در مصاحبه و گفت و گوها با رسانه های بیگانه جهت ارسال پیام به غرب و جلب نظر اپوزیسیون و اقشار خاکستری

سناریوهای احمدی نژاد برای تاثیر گذاری بر انتخابات

احمدی نژادی ها و فرقه بهاریه در حال برنامه ریزی و تلاش پیگیر جهت ورود به انتخابات در قالب یکی از سناریو های زیر می باشند:

الف) سناریوی بعید: تحرک سیاسی و جنبش و جوش اجتماعی بدون ورود مستقیم به

انتخابات

ب) سناریوی ضعیف: ورود نیابتی با وارد کردن یکی از نزدیکان خود برای ثبت نام به عنوان

نامزد انتخاباتی

ج) سناریوی محتمل: ورود همزمان شخص خویش و یکی از نزدیکانش تا در صورت رد

صلاحیت شاید بتواند تایید صلاحیت وی را گرفته و حداقل بخشی از رای خود را به او منتقل کند.

د) سناریوی قوی: ورود مستقیم به انتخابات و ثبت نام رسمی به عنوان کاندیدای ریاست

جمهوری

اهداف احمدی نژاد

در خصوص اهداف احمدی نژاد به طور کلی دو دیدگاه متفاوت وجود دارد:

دیدگاه اول: بازگشت به قدرت به منظور حل مشکلات مردم

صاحبان این دیدگاه معتقدند مشکلات روزافزون مردم که با ضعف دولت فعلی افزایش پیدا کرده است سبب شده تا وی برای نجات مردم و کشور وارد میدان رقابت شده و با قرار گرفتن در جایگاه ریاست جمهوری، با نشان دادن کارآمدی خود، بی تدبیری دولتمردان جناح های مختلف چپ، راست، اعتدال و اصلاحات را به نمایش بگذارد. آنچه در این دیدگاه خوش بینانه به عنوان مستند مورد اشاره قرار می گیرد، یکی پی بردن احمدی نژاد به نقش خود در روی کارآمدن دولت فعلی می باشد که به دلیل رفتارهای خودسرانه و ناسپاسی از موقعیت خود این زمینه را بوجود آورده است. دوم اینکه وی با تحلیل های کاملاً موهوم و شخصی نمی خواهد از صحنه سیاسی کشور حذف شده و شاهد افزایش قدرت مخالفان خویش که روزی برای بدنام کردن آنها

همه تلاش های خود را کرده است. وی با این نگاه تصور می کند مثلاً فلانی اگر به قدرت برسد، خواهد توانست زمینه قدرت یابی خانواده خود را در جایگاه بالاتر نیز فراهم سازد.

دیدگاه دوم: اهداف فرا انتخاباتی

در مقابل دیدگاه اول عده زیادی بر این باورند که احمدی نژاد به دنبال بازگشت به کرسی ریاست جمهوری نبوده و اهدافی فراتر از انتخابات را دنبال می کند. صاحبان این دیدگاه برای اثبات مدعای سوالاتی را مطرح می کنند که اگر احمدی نژاد هدفش بازگشت به انتخابات بود، چرا در سال سال ۹۶ به رغم نهی مقام معظم رهبری، اقدام به ثبت نام کرد؟ چرا که این اقدام فی نفسه دلیلی بر عدم التزام عملی وی بود. در حال حاضر نیز وی می داند که احتمال احراز صلاحیتش بسیار پایین است و به گفته سخنگوی شورا، معمولاً کسانی که یکبار رد صلاحیت شده اند بعید است، تایید صلاحیت شوند. بویژه آنکه وی به جای ابراز ندامت از گذشته و اصلاح رفتارهای غلط خود به هنجارشکنی های بیشتر روی آورده و مواضع تندتری ضد نظام می گیرد. با عنایت به علم وی به رد صلاحیتش چرا اصرار بر ورود دارد؟ ضمن آنکه وی می داند شورای نگهبان تحت تاثیر فشارهای بیرونی هم از ملاک های خود دست بر نخواهد داشت. البته پرسش های دیگری نیز در این رابطه وجود دارد که از سوی این دسته افراد اقامه می شود که اشاره به همه آنها در این مجال ممکن نیست. اما اینکه احمدی نژاد چه اهداف فرا انتخاباتی دنبال می کند به موارد زیر اشاره می شود:

اهداف فرا انتخاباتی احمدی نژاد:

- ۱- جلوگیری از حذف تدریجی؛ احمدی نژاد برخلاف تصورش یکی از شخصیت های سیاسی کشورمان می باشد که به دلیل فقدان گفتمان و جریان خاص خویش، سرعت قابل حذف بوده و اگر سکوت کند ظرف مدتی بسیار کوتاهی به دست فراموشی سپرده می شود. موضوعی که برای وی کابوس است و شخصیت های مانند احمدی نژاد که

دچار خودبزرگ بینی هستند، بشدت از این ندیده شدن و پاک شدن از سپهر سیاسی کشور در هراسند.

۲- جلوگیری از تنگ تر شدن حلقه رسیدگی به تخلفات

احمدی نژاد بدلیل هوش سرشاری که دارد می داند پس از محاکمه دو تن از نزدیک ترین افرادش، نوبت خود اوست که پای میز محاکمه کشیده شود. میزی که برخلاف ادعاهایش در خصوص پاکدستی خود و اطرافانش، بعید است بدون محکومیت از پای آن بلند شود. محکومیت مالی برای احمدی نژاد کابوسی بشدت وحشتناک تر از فراموش شدن می باشد.

۳- انتقام از رقبا و شکست در دوقطبی های ساختگی

احمدی نژاد بر این گمان بود که حداقل برای ۲۰ سال در قدرت خواهد بود و تنها به خاطر مشکل قانونی مجبور بود تا مدل پوتین مدودوف را اجرا کند اما ناگهان متوجه شد این تنها یک رویا بوده و تعبیر آن ممکن نیست. وی عامل ناکامی هایش را همه مخالفانی که معمولا با دوقطبی سازی بر آنها غلبه می کرد و دوستان سابقش می داند. لذا شاید بتوان گفت یکی از دلایل اصرار احمدی نژاد برای بازگشت به قدرت، دستیابی به فرصتی برای انتقام است. چیزی که وی از آن به عنوان تغییر روندها و رویه ها سخن می گوید.

۴- نقش آفرینی در خلاء قدرت

یکی دیگر از اهداف احمدی نژاد به تلاش وی جهت نقش آفرینی در خلاء قدرت باز می گردد. وی از ابتدای دور دوم ریاست جمهوری خویش که بر معاون اولی مشایی اصرار داشت و جهت اجرای مدل پوتین مدودوف برنامه ریزی می کرد اما در جریان عزل وزیر اطلاعات با مخالفت مقام معظم رهبری روبرو شد، بارها بر کوتاه بودن شرایط فعلی تاکید کرده و درصدد زمینه سازی و حمایت از افراد خاصی برای آن جایگاه برآمد که به رغم ناکامی در این مسیر، همچنان نگران روی کار آمدن شخصیتی از مخالفان می باشد.

ناکارآمدی و بی تدبیری هایش بستر بازگشت وی را فراهم سازد. اما اگر این اتفاق منجر به روی کارآمدن دولتی کارآمد از سوی نیروهای انقلابی گردد، وی دیگر نمی تواند خود را تنها منجی کشور معرفی کرده و رویای بازگشت وی قدرت برای همیشه بر باد خواهد رفت.

۷- قرارداد مردم در برابر نظام

احمدی نژاد اهداف ضمنی دیگری را نیز دنبال می کند که از جمله آنها بزرگ نشان دادن وزن سیاسی و اجتماعی خویش می باشد. از این رو، وی با بهانه حضور در رقابت ها هم به ساماندهی حامیانش می پردازد و هم مانع نومیدی هوادارانش می شود. ضمن آنکه فرصتی برای طرح نظرات نامتعارف و انتقادات تندش پیدا کرده و با ردصلاحیتش دلیل اعتراضاتش را توجیه کرده و تاییدی بر این نظر خود پیدا کند که نظام اساسا به فکر حل مشکلات مردم نیست. چراکه اگر بود بایستی وی را که توانایی حل مشکلات را دارد، تایید صلاحیت می کرد. وی از این طریق می تواند میان نظام و مردم فاصله ایجاد کند.

۸- کاهش رونق انتخابات از طریق دلسردسازی مردم

احمدی نژاد با مطرح سازی خود به عنوان کاندیدای انتخابات و تبلیغات و سفرهای استانی در واقع انگیزه خود را برای ورود و خواستار حل مشکلات مردم نشان می دهد تا وقتی با ردصلاحیت مواجه شد، تعدادی را از حضور در پای صندوق های رای سرد می کند و از این طریق وزن منفی خود را بالا می برد. از این رو، محتمل است در صورت کاهش مشارکت، وی خود را در این رابطه موثر معرفی کرده و چه بسا به فکر مصادره آراء کسانی که رای ندهند هم باشد.

واکای انگیزه های احمدی نژاد

بدین ترتیب یک سوال بسیار مهم دیگری مطرح می شود که به چرایی رسیدن احمدی نژاد به این وضعیت باز می گردد؟ به عبارت روشن تر چرا کار احمدی نژاد به اینجا کشیده شده است؟

یکی از راههای انگیزش‌شناسی و ریشه‌یابی رفتارهای فردی قرار دادن خویش در جای وی می‌باشد که به روش تفهیمی (ماکس وبر) معروف است. با استفاده از این روش می‌توان علل بروز رفتارهای عجیب احمدی نژاد را در موارد زیر جستجو کرد:

اولاً احمدی نژاد خود را فردی معتقد و باورمند می‌داند که مورد عنایت خاص هم قرار دارد. از نگاه چنین شخصی که گاهی از عصر ظهور صغری سخن می‌گوید، انتظارش این است که همه مردم و مسئولان، جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی به کمک وی بشتابند.

ثانیاً احمدی نژاد به دلیل خصائل شخصی هیچ عیب و نقصی برای خود قائل نیست ولی همه را به نوعی مقصر می‌داند. لذا یکی از علل اصلی وضعیت امروزش را اشتباهات دیگران می‌داند و معتقد است که آنها هستند که باید خود را اصلاح نمایند.

پرسش بسیار دشواری دیگری که وجود دارد این است که آیا این قاعده مشمول مقام ولایت امر نیز می‌شود که باید گفت حتی اگر چنین نباشد اما شاید از نظر او، چرایی عدم حمایت رهبری از وی مصلحت‌اندیشی می‌باشد. به عبارت دیگر احمدی نژاد بر این گمان است که مقام معظم رهبری می‌داند که حق با اوست اما به خاطر یکسری مصلحت‌امکان بیان کردن آنرا ندارند.

ثالثاً احمدی نژاد با نگاهی کاملاً سیاسی و جناحی؛ خود را قربانی برخی رقابت‌ها و دوقطبی‌هایی می‌پندارد که در برخی از آنها موفق بوده اما در برخی دیگر شکست خورده است و اینک تلاش می‌کند همچنان تلاش کند تا شکست‌هایش را جبران کند.

رابعاً احمدی نژاد نیز مانند همه انسان‌ها تحت تاثیر اطرافیانش قرار دارد. اگر چه وی این تاثیر پذیری را انکار می‌کند اما واقعیت این است که او در حلقه‌ای از مشاورینش قرار دارد که هر کدام با انگیزه و هدفی خاص به تشویق وی پرداخته و نظراتش را تایید کرده و گاهی او را تحریک هم می‌کنند. خاصه آنکه در حامیان وی دو طیف تندرو و میانه‌رو وجود دارند. تندروهایی شامل آسیب‌دیدگان از نظام که به دلیل تخلف و فساد مالی محکوم شده‌اند، فعالان سیاسی و

بخش هایی از جنبش دانشجویی عدالتخواه که وی را در دوره مسئولیت تحریک به خانه نشینی کرده و از سال ۹۶ به بعد در نامه نگاری های هتاکانه اش به مقام معظم رهبری تشویق کردند و او را به فاز تقابل با نظام کشاندند.

البته رفتارها و مواضع نابهنجار احمدی نژاد دلایل دیگری هم دارد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- باور به اصل «بدنامی بهتر از گمنامی است».
- ۲- احساس تحقیرشدگی به دلیل عدم قدرت چانه زنی در درون نظام برای کمک به اصلی ترین دولتمردانش و نجات آنها از محاکمه
- ۳- عصبانیت از اثبات جرائم مالی نزدیک ترین افرادش برخلاف اصرار وی بر پاک دستی آنها
- ۴- تلاش برای تأثیرگذاری بر فضای جدید در صورت خلاء قدرت
- ۵- احساس حذف شدن در سایه سکوت
- ۶- نگرانی از ثبت نام در ردیف یکی از بدنام ترین روسای جمهور پس از انقلاب اسلامی
- ۷- احساس شکست در دوقطبی سازی با خانواده لاریجانی ها
- ۸- تلاش جهت تطهیر گذشته خود برای فضای آینده
- ۹- باور غلط به توانایی خویش در وادار کردن نظام به عقب نشینی در برابر وی و ناگزیر شدن به به ناچار شدن نظام در مقابل وی به خاطر مشکلات موجود

چرایی پایگاه نسبی در میان مردم:

یکی دیگر از مسائل مهم در رابطه با احمدی نژاد این است که چرا وی توانسته همچنان پایگاه خویش در طبقات محروم جامعه را همچنان حفظ کند؟ در پاسخ به این سوال می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- رفتار بشدت اپورتونیستی و عوام زدگی افراطی
- ۲- ساده‌زیستی و نفی تشریفات معمول مسئولان
- ۲- پرکاری و خستگی ناپذیری در ارائه خدمات به مردم در چهار سال اول
- ۳- نمایندگی اقشار کمتر دیده شده و طرح مشکلات آنها
- ۴- توانایی بالا در ایجاد دو قطبی های مورد پسند جامعه
- ۵- تمرکز زدایی از تهران با سفرهای استانی
- ۶- قدرت جلب افکار عمومی از طریق بیان و محاوره
- ۷- تعلق خاطر برخی از جوانانی که شناخت آنها از انقلاب و نظام بواسطه وی صورت گرفته است.

۸- مهارت در برقراری ارتباط با افکار عمومی و استفاده از رسانه

۹- طرح مطالب عوام پسندی که کمتر شنیده می شود.

۱۰- گرفتن پرچم مبارزه با مفاسد اقتصادی از دیگران

۱۱- قرار دادن شعار محرومیت زدایی در سرلوحه شعارهای خود

۱۲- ریسک پذیری در انجام برخی کارهای مهم

۱۳- مظلوم نمایی با انجام برخی رفتارهای عوام پسند

پیامدهای اقدامات احمدی نژاد:

۱. تفرقه و سردرگمی بین نیروهای انقلابی در تشخیص سره از ناسره
۲. ایجاد تردید در میان نیروهای ارزشی نسبت به حقانیت نظام و دفاع از انقلاب اسلامی
۳. یارگیری از نیروهای انقلاب افزایش مطالبات مردم بویژه اقشار ضعیف جامعه با دمیدن در مطالبات اجتماعی و اقتصادی مردم

۴. تبدیل شدن به نماد معترضین به وضع موجود در کشور و پیدا کردن ظرفیت شورش و اغتشاش

۵. افزایش حس بی اعتمادی به نظام با متهم سازی همه مسئولان کشور به فساد

۶. تولید حقانیت برای سران فتنه و معترضین ۱۳۸۸

۷. مستند سازی مدعای مخالفان نظام علیه نظام و هجمه به ولایت فقیه

۸. تشجیع منتقدان و مخالفان ملت ایران در تضعیف نظام و ارکان آن

۹. طرح برخی مسائل و مطالبی که دیگر شخصیت ها و جریان های مخالف نظام جرات پرداختن به آنها را ندارند.

۱۰. تحریک افکار عمومی به شورش و اغتشاش با اثبات مدعای خویش در فقدان اراده لازم برای حل مشکلات مردم

۱۱. دلسرد کردن مردم در حضور پای صندوق های رای با متهم سازی نظام به مهندسی انتخابات

۱۲. ایجاد توقع تغییر ساختار نظام و بالا بردن مطالبات ساختارشکنانه

ملاحظات چند در نحوه مواجهه با احمدی نژاد:

۱- عدم برجسته کردن ایشان در مقابل رهبری و پرهیز از کشاندن سطح دوقطبی به ایشان و رهبری

۲- استفاده از ظرفیت دوستان، نزدیکان و همکاران وی برای کنترل و ابراز ندامت

۳- تلاش برای ناکام سازی وی در سوء استفاده

۴- استفاده از ظرفیت چهره های محبوب و نیروهای حزب اللهی

۵- روشنگری و اقناع سینه به سینه نیروهای انقلابی حامی

۶- خلوت سازی پیرامون ایشان با روش های اقناعی توسط اساتید انقلابی

۷- استفاده از ظرفیت های نخبگی جهت قانع سازی وی به پیامدهای منفی رفتارهایش علیه نظام

۸- استفاده از فضای مجازی جهت کاهش تاثیر برنامه و اهداف وی در ایجاد چالش ذهنی برای مردم

۹- تبیین ناخرسندی و عدم مقبولیت وی در خانواده های شهدا و اقشار متدین جامعه

۱۰- برجسته کردن تخلفات مالی اطرافیان وی و اطلاع رسانی در باره ترس وی از تخلفات مالی خودش

۱۱- بازخوانی تناقضات و مقایسه رفتارها و سخنان دیروز و امروز وی در فضای مجازی و رسانه و جلسات توجیهی